

## گفتگو با مدیر کل دفتر آموزش بهره‌برداران

مصاحبه از: فیروزه سلیمانی امید

در این شماره گفتگویی انجام داده‌ایم با مدیر کل محترم دفتر آموزش بهره‌برداران در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی. ایشان را می‌توان یکی از مدیران جوان مجموعه مدیریتی معاونت آموزش و ترویج کشاورزی دانست که در عین حال تجارب ارزشمندی از سطح شهرستان تا ستاد داشته‌اند. تحصیلات ایشان دکتری ترویج کشاورزی است و در عین حال دارای مدرک دکتری در رشته ترویج و آموزش کشاورزی هستند. امیدواریم این دست گفتگوها باعث آشنایی هر چه بیش‌تر مروجان عزیز با ساختار سازمانی و همچنین مدیران و کارشناسان ترویج و آموزش کشور شود.



### \* برای شروع لطفاً خودتان را برای مخاطبان مجله معرفی کنید و بفرمایید چگونه کار خود را در وزارت جهاد کشاورزی آغاز کردید.

مریم طهماسبی هستم با سابقه ۱۸ سال فعالیت در وزارت جهاد کشاورزی و هم اکنون هم به‌عنوان مدیر کل دفتر آموزش بهره‌برداران و مشاغل کشاورزی مشغول خدمت هستم. سال‌های اولیه خدمت خود را در مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان آبادان به‌عنوان کارشناس ترویج، کارشناس امور زنان روستایی و کارشناس آموزش‌های رسمی شاخه کاردانش و همچنین به‌عنوان کارشناس معین مراکز جهاد کشاورزی دهستان‌های مینوبار، اروندکنار و ابوشانک شروع کردم.

### \* در آن مقطع زمانی، بیش‌تر درگیر چه فعالیت‌هایی بودید؟

برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های آموزشی - ترویجی ویژه کشاورزانی که عمده فعالیت آنها تولید خرما، یونجه و انواع صیفی و سبزی بود از طریق برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزش مهارتی، طرح‌های IPM/FFS، بازدیدهای ترویجی و دیگر روش‌های ترویجی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی بود که در اداره آموزش و ترویج کشاورزی انجام می‌شد. همچنین ارائه خدمات آموزشی به پرورش دهندگان میگو در منطقه چوئیده و آموزش زنان روستای نیز جز برنامه‌های اداره آموزش و ترویج شهرستان بود. تربیت دانش‌آموزان رشته‌های کاردانش با گرایش‌های تکثیر و پرورش میگو، پرورش زنبور عسل، تولید محصولات گلخانه‌ای و بهداشت‌یاری دام از جمله اقدامات مهم آن مقطع کاری من بود.

شاید اگر بخواهم یکی از بهترین و البته سخت‌ترین خاطراتم را بیان کنم، تجربه راه‌اندازی صندوق حمایت از توسعه کشاورزی شهرستان آبادان بود که به مدت دو سال هم به طول انجامید.

## \* آیا از آن دوران خاطره‌ای دارید که بخواهید آن را با مروجانی که در مراکز جهاد کشاورزی مشغول کارند در میان بگذارید؟

شاید اگر بخواهم یکی از بهترین و البته سخت‌ترین خاطراتم را بیان کنم، تجربه راه‌اندازی صندوق حمایت از توسعه کشاورزی شهرستان آبادان بود که به مدت دو سال هم به طول انجامید. از تدوین طرح توجیهی تا دفاع از طرح در تهران و پس از آن فعالیت گسترده در سطح روستاها و ترغیب کشاورزان به سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های اندک آنان و در نهایت هم راه‌اندازی صندوق که تجربه بسیار گران‌بهایی بود. تجربه‌ی تدوین طرح‌هایی که کشاورزان را امیدوار می‌کنند به «دیده شدن» تجربه‌ی «ضرورت و اهمیت اعتمادسازی در جامعه محلی آن هم تنها با شناخت عمیق مردم محلی» تجربه‌ی «شناخت واقعی کار و الزامات اجرایی آن»، تجربه‌ی «انجام کار تیمی و همدلی بین سطوح عملیاتی درگیر در یک پروژه» و تجارب بسیاری زیادی که هر کدام ملغمه‌ای از شیرینی در عین سختی و یادگیری در حین رشد بود.

## \* از چه زمانی در ستاد مشغول فعالیت شدید؟

در نهایت پس از ده سال کار در بخش اجرا و در محیط واقعی در کنار کشاورزان زحمت‌کش، زنان و جوانان روستایی خوزستان با کوله‌باری از تجربه‌های خوب و شیرین و گاه تلخ و بی‌نتیجه که شاید در جایی دیگر بتوان به کم و کیف آنها پرداخت، برای کمک به اجرای طرح نظام نوین ترویج در سال ۱۳۹۴ وارد ستاد معاونت ترویج شدم و به‌عنوان دبیر ستاد نظام نوین ترویج کشاورزی فعالیت نمودم. در آن زمان با توجه به تقسیم‌بندی‌های انجام شده بایستی مرتباً از استان‌های پایلوت طرح که شامل کرمانشاه، گلستان، آذربایجان شرقی، اردبیل، فارس، گلستان، کرمان، گیلان، مازندران و خراسان رضوی بود، در حوزه پهنه‌بندی، مدیریت دانش، تجهیز و تکمیل مراکز جهاد کشاورزی، ارتباط تحقیق، ترویج و اجرا، ارتباط با بخش غیردولتی، تکمیل فرم‌ها و اطلاعات سامانه جامع پهنه‌بندی و مدیریت داده‌های کشاورزی و ... گزارش‌گیری می‌شد که کار بسیار زمان‌بر و با توجه به نو بودن کار دشواری بود. اما با جدیت همه اعضای تیم مدیریتی که عضو ستاد اجرایی نظام نوین ترویج هم بودند و تلاش شبانه‌روزی، طرح نظام نوین ترویج کشاورزی از مرحله پایلوت خارج و در سال ۱۳۹۵ به صورت سراسری ابلاغ شد. تجارب ارزنده‌ای هم در این مدت کسب نمودم که به‌عنوان چراغ راهی برای ادامه خدمتم بود. تجربه «احترام متقابل بین اعضای یک تیم کاری، تجربه‌ی جامع‌نگری و توجه به تمامی ابعاد یک برنامه، تجربه‌ی ضرورت مشورت و مشاوره با ذی‌نفعان در سطوح مختلف، تجربه‌ی توجه به ارزش و بار معنایی گفتار به جای توجه به پست سازمانی یا به عبارتی - چه گفته می‌شود نه چه کسی می‌گوید.»

پس از آن به عنوان معاون دفتر توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری در خدمت سرکار خانم بنی‌هاشم بودم. فعالیت در دفتری که یکی از حوزه‌های مورد علاقه من بود و احساس بسیار نزدیکی با مجموعه فعالیت‌های آن داشتم. در مدت خدمت در آن دفتر به‌صورت ویژه بحث بازارهای فروش مجازی محصولات تولیدی زنان روستایی و عشایری را پیگیری می‌کردم. در آن زمان تفاهماتی با شرکت "با سلام" انجام دادیم بابت اینکه برای خانم‌های روستایی این امکان را فراهم کنیم که به زنان روستایی آموزش‌هایی داده شود که قادر باشند یک غرفه فروش مجازی در سایت "باسلام" برای خود ایجاد و مدیریت نمایند. آنان بایستی یاد می‌گرفتند که چگونه از کالاهای تولید خود عکس مناسب تهیه کنند. داستان زندگی خود را به رشته تحریر و تصویر درآورند و با مشتریان ارتباط برقرار نمایند. که البته همکاران در آن دفتر در ادامه، کار را به خوبی پیگیری نمودند. تا به جاهای خوبی برسد.

## \* از چه زمانی مسئولیت دفتر آموزش بهره‌برداران را برعهده گرفتید و عمده فعالیت‌های

### این دفتر در چه حوزه‌ای است؟

از سال ۹۷ تا کنون مسئولیت دفتر آموزش بهره‌برداران و مشاغل کشاورزی را برعهده داریم. در این مدت سعی بر این بوده برنامه‌ها در قالب یکسری پروژه‌هایی که هم جزو سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی است و هم بهره‌بردار ما بیش‌ترین نیاز را در حوزه مهارتی دارند، ارائه دهیم. بر همین اساس حدود ۱۰ پروژه در این دفتر تعریف و سعی شده که حداقل ۷۰ درصد از فعالیت‌های ما در این پروژه‌ها بگنجد. همچنین در حوزه توسعه مناطق محروم یک کار شاخص در دست اقدام است. آموزش‌های مهارتی در حوزه توسعه منطقه مکران که در استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان در حال اجراست. در برنامه توسعه منطقه مکران سعی شد ضمن شناسایی پتانسیل‌های منطقه، از طریق آموزش‌های مهارتی در حوزه سبک زندگی، زندگی شغلی، آشنایی با کسب و کار و توسعه طرح‌های اقتصادی و کارآفرینی افراد آماده راه‌اندازی کسب و کار می‌شدند. آموزش مربیان کارآفرینی حرفه‌ای از بین جامعه محلی، تربیت کارآفرینان روستایی از بین جوانان و علاقمندان، تشکلی سازی و گروه‌بندی علاقمندان به منظور زمینه‌سازی توسعه اشتغال روستایی از اهم فعالیت‌ها بود که بحمدالله در این زمینه تا حد خوبی هم پیشرفت داشتیم. در انجام این کار هم درس آموخته‌هایی حاصل شد. ضرورت اعتمادسازی در جامعه محلی برای انجام کارهای ماندگار، یافتن زبان مشترک برای برقراری ارتباط مؤثر، اولویت‌بخشی به خواست و نظر جامعه محلی به جای تصمیم‌گیری بالا به پایین، کار با جوانان و علاقه‌مندان به فعالیت کشاورزی، تفاوت دیدگاه زنان و مردان روستایی نسبت به درآمد و اشتغال با توجه به تفاوت نقش‌ها از جمله درس آموخته‌های این دوران بود.

### \* به نظر شما مهم‌ترین چالش فعالیت در زمینه کاری شما چیست؟

در انجام تمامی فعالیت‌هایی که عرض کردم به نظر من یکی از مشکلاتی که ما واقعا با آن مواجه هستیم، و شاید بخش اعظم مشکلات ما در ترویج، مشکلات فرهنگی است. البته فقط منظورم فرهنگ بهره‌بردار نیست ما در خود جهاد کشاورزی هم این مشکل را داریم. ما در ترویج یکسری اصول داریم اصل یادگیری از طریق عمل، اصل رضایتمندی، اصل رهبری، اصل مشارکت، اصل توجه به تمامیت خانواده از جمله این اصول است. وقتی ما می‌گوییم مشارکت فقط منظور این نیست که ترویج با بهره‌بردار مشارکت داشته باشد. یعنی یک نگاه سامانه‌ای (سیستمی) داشته باشیم. تمامی اجزا و تمام کنشگرانی که در فرآیند یک توسعه نقش دارند؛ باید با یکدیگر در ارتباط و تعامل باشند. وقتی می‌گوییم تعامل یعنی ارتباط دوطرفه نه اینکه فقط ترویج به سوی دیگران بیاید. هر چند ترویج می‌تواند شروع کننده یک ارتباط باشد ولی ادامه ارتباط بستگی به طرفین دارد. متأسفانه در ادبیات بسیاری از بخش‌ها این اصول جزیی از وظایف ترویج تعریف می‌شوند بدون اینکه الزامی برای طرف دیگر دیده شود و این به نظرم یکی از موضوعاتی است که به ترویج ضربه وارد می‌کند. البته باز هم معتقدم ترویج می‌تواند با تسهیلگری و برقراری ارتباط شروع کننده باشد ولی ادامه مؤثر کار به طرفین باز می‌گردد.

به نظرم ترویج در حوزه‌هایی می‌تواند به خوبی نقش آفرینی کند که یا هنوز وارد نشده است یا نقش کم‌رنگی دارد. کار با جامعه شهری به عنوان مصرف کننده محصولات غذایی و تغییر فرهنگ عمومی مردم که مخصوصاً در حوزه تولید ضایعات غذایی بسیار نقش دارند و ارتقا فرهنگ آنان می‌تواند به نوعی تضمین کننده میزان تولید باشد. برای مثال ۳۰ درصد ضایعات نان اگر محدود شود مثل است که ۳۰ درصد به تولید افزوده شده است.

یک موضوع دیگر هم بحث کار با جوانان روستایی و عشایری و تشکلی سازی در این حوزه است. اگر ما از سنین پایین فرهنگ کشاورزی و تولید را در بین فرزندان مان تقویت نکنیم در ۲۰ سالگی نمی‌توانیم دلخوش باشیم که جوانان می‌توانند آینده تولید غذا در کشور را تضمین نمایند. توجه به کشاورزی به‌عنوان یک سبک زندگی و آماده‌سازی جوانان برای زندگی در این سبک می‌تواند آینده را روشن‌تر نماید و دلواپسی که امروزه در مورد تولید غذا وجود دارد را مرتفع سازد. افزایش جذابیت‌های روستایی و زندگی در روستا در کنار توسعه کشاورزی مکانیزه برای جوانان مطمئناً مطلوبیت خواهد داشت.